



پیام سازمان مجاهدین خلق ایران به دانشجویان مبارز خارج از کشور

رفقا! دانشجویان مبارز، اعضای اتحادیه های دانشجویی،
به همراه دروذهای گرم، برای پیشرفت هر چه بیشتر شما در راه مبارزه علیه رژیم وابسته شاه و
اربابان امپریالیستش در راه دفاع از حقوق دمکراتیک خلق ایران و مبارزات توده های زحمتکش و اقشار
آگاه جامعه، و در راه پشتیبانی از سازمان ها و گروه های انقلابی و مبارز و دفاع از زندانیان سیاسی،
آرزوی موفقیت می کنیم.

ما مبارزات پر شور شما، افشاگری های سیاسی، اعتصاب غذاها، تظاهرات، اشغال سفارت خانه
ها و کنسول گری های رژیم و بخصوص تظاهرات قهرآمیز، متحد و سازمان یافته شما را علیه سفر شاه
خائن به آمریکا و فرانسه به دیده تحسین می نگریم و اعتقاد داریم ادامه و پیگیری مبارزات دانشجویان
پیشرو علیه جریان های راست و سازشکار بورژوا لیبرال در درون جنبش دانشجویی و رشد هر چه بیشتر
همبستگی و هماهنگی این جنبش با جنبش انقلابی و واقعیات جامعه در پاکسازی و تحکیم صفوف جنبش
دانشجویی و همچنین اعتلاء آن نقش مهم ایفا خواهد کرد.

رفقا!

در دو سالی که گذشت، جامعه و انقلاب ایران شاهد دگرگونی ها و تحولات امید بخش و در عین
حال حساس و قابل دقتی بودند. در این مدت، رژیم شاه جنایتکار علیرغم تمام پیگردهای وسیع پلیسی خود و
تمام تدارکات گسترده و تاکتیک های جدیدی که برای بدام انداختن و کشتن انقلابیون و کمونیست ها به عمل
آورد، باز هم در هدف اصلی خود، یعنی متلاشی کردن تشکل های انقلابی و کمونیستی دچار شکست و
ناکامی گردید. سلسله ضربات متراکمی که در آغاز سال ۱۳۵۵ منجر به از دست رفتن جمعی و گروهی
بسیاری از انقلابیون با تجربه و کمونیست های صدیق و کارکشته ای شده بود نتوانست به سازمان ما
سرایت نموده و آن را به این شکل مورد حمله قرار دهد.

این حملات با سد آهنینی از مقاومت و هشیاری و ابتکار توده ها و رهبری سازمان ما در هم
شکست. بلافاصله بعد از آغاز سلسله دوم ضربات وسیع وارد بر سازمان چریک های فدایی خلق در تیر ماه
۱۳۵۵، طرح های دفاعی و نقشه های پیش گیرانه از طرف رهبری سازمان تنظیم شد. در هسته این طرح،
تخلیه تمام خانه های پایگاهی، انبارها و قطع و تغییر تمام ردهای ثابت، در مدتی کمتر از سه روز قرار
داشت. ما این عمل حساس را بطور کامل در دو بار، یک بار در اوائل پاییز و بار دیگر در نیمه زمستان
۱۳۵۵ به انجام رسانیدیم. در چنین شرایطی، لحظاتی در سازمان، رسیده بود که حتی یک نفر از رفقای ما

دارای يك اطاق كوچك پایگاهی نبود و در تمام سازمان و برای همه افراد حتی يك رد ثابت وجود نداشت، در چنین وضعیتی رفقا می بایست برای هر شبی که می خواهند به صبح برسانند، چاره ای بیاندیشند و راه ویژه ای انتخاب کنند. بسیاری از رفقا برای تمام کردن شب به شهرهای نزدیک و مسافرت های نیمه راهی می رفتند. در حین سفر می خوابیدند و نیمه شب مجددا راه بازگشت را در پیش می گرفتند. در این میان صدها هزار تومان وسائل خانه، ابزار و وسائل تکنیکی و چاپ و سرمایه غیر قابل انتقال سازمان اجبارا از بین رفت و تمام برنامه ها و اقدامات در دستور سازمان تا فراهم آمدن پایگاه های جدید و حل مسئله امنیت کادرها و سازمان دهی متناسب متوقف شد. با این وصف ما از اجرای چنین برنامه سخت و سهمگین و تحمل مصائب و دشواری های بیشمار آن ناشاد نبودیم، زیرا توطئه دشمن در رخنه به درون گروه ها و سازمان های دیگر در بدست آوردن سرخ های ثابت و سپس در سکوت و آرامش، گروه ها و هسته های متعدد هر سازمان را، آرام آرام به کام بندهای خود گرفتار کردن، تا این که به عالی ترین سطح مسئولین و رهبری آن سازمان دست یافته و یکباره با يك سلسله ضربات کاری مغز و ستون فقرات آن سازمان را متلاشی کند، دیگر نمی توانست در سازمان ما پیاده و اجرا شود. به همین دلیل در این دوره نیز مانند گذشته سازمان ما هیچ گاه از طریق شناسایی و محاصره حتی یکی از خانه های پایگاهی اعضاء خود مورد حمله قرار نگرفت. اگر دشمن می توانست بسیاری از اعضاء رزمنده و صدیق گروه ها و سازمان های دیگر را به دلائی که به نظر ما اساسا به کم بها دادن به قدرت تاکتیکی دشمن، نادیده گرفتن تجربیات گذشته و جاری جنبش و به حاکمیت روحیه تک روی و غرور در مقابله با تاکتیک های دشمن و مسائل مبرم جنبش بر می گردد، از طریق رسوخ و رخنه درونی یا بدست آوردن سرخ های قابل اطمینان در همان خانه های پایگاهی خود بدام اندازد و بدین ترتیب ضربات جمعی فوق العاده خطرناکی را وارد سازد، دیگر چنین تاکتیکی از هیچ نظر در مورد سازمان ما قابل اجرا نبود.

به همین دلیل، دشمن اجبارا به خیابان ها روی آورد، یکباره رقم گشتی های دشمن در شهر تا چهار و پنج برابر افزایش یافت. يك برآورد اولیه حاکی است که در این موقع، یعنی در نیمه دوم سال ۱۳۵۵ که پلیس اساسا تلاشی سازمان ما را در دستور کار خود قرار داده بود، رقم گشتی های پلیس مخفی در شهر تهران از مرز دویست و دویست و پنجاه فراتر رفت. در حالی که تا قبل از این بین سی و پنج تا پنجاه عدد در نوسان بود. درگیری های اتفاقی و ورود در تورهای ناشناخته خیابانی و بدام افتادن انفرادی مبارزین مخفی در این دوره بشدت افزایش یافت. در واقع گشتی های پلیس دیگر بطور اتفاقی عمل نمی کردند، عمده آنها در گروه هایی سازمان یافته بودند که هر يك بطور مشخص با استفاده از وسائل گوناگون، عکس، فیلم و عناصر شناسنده به دنبال يك یا دو فرد مشخص می گشتند. هر گروه از آنها اطلاعات زیادی راجع به مشخصات ظاهری و همین طور مناطق تردد و یا حتی شیوه راه رفتن افراد مورد نظر در دست داشتند. رفیق بهرام آرام، عضو قدیمی و برجسته مرکزیت سازمان ما به همین ترتیب به شهادت رسید.

به این ترتیب در این دوره عده ای از اعضاء سازمان ما نه در خانه های پایگاهی و رد های ثابت جدید خود، بلکه به طور نا منظم و انفرادی بدون ارتباط و پیوستگی با هیچ حادثه یا رد ثابتی مورد شناسایی و محاصره دشمن واقع شده و زیر رگبار مسلسل قرار می گرفتند. عده ای از مبارزین گروه های دیگر نیز به همین ترتیب به شهادت رسیدند، یا به دست دشمن اسیر شدند.

وحشی گری دشمن، همراه ترس و وحشت او از مقاومت انقلابیون باعث می شد که در هر حادثه ای از این قبیل عده ای از مردم را نیز مورد هدف مسلسل های خود قرار دهد. در حالی که ظن های نادرست نیز موجب کشته شدن و لطمات دیگری به مردم عادی خیابان ها می گردید.

اما بالاخره این تاکتیک جدید دشمن نیز کشف و تا حد امکان خنثی شد. سلسله خطراتی که تک به تک اعضاء ما را در خیابان ها مورد تهدید قرار می داد کم کم و با حوصله و بردباری فراوان و تحمل مصائب دیگری مهار شد. تجربیات ارائه شده توسط چند تن از رفقای که علیرغم شناخته شدن و وارد شدن در تور پلیس توانسته بودند سد محاصره و حملات خیابانی دشمن را شکسته و شیوه های کار و عمل جدید دشمن را برای سازمان روشن نمایند، در این راه بسیار موثر بود.

باری سازمان ما اینک این دوره توفانی و پرتلاطم را پشت سر گذاشته است، در حالی که توفان و تلاطم دیگری، توفان و تلاطم انقلابی توده ها که این بار برای ما و کلیه نیروهای انقلابی ایران، نوید بخش و برای دشمن سهمگین و خطرناک است، توفانی که هنوز در ظهور اولین علائم لرزه بر پیکر رژیم دست نشانده شاه انداخته است در راه است.

سازمان ما در حالی که با یک دست به ترمیم ضربات و ضایعات دوره گذشته می پردازد، با دست دیگر و با تمام قوا، خود را برای استقبال از این توفان آماده می کند.

این آمادگی در دو زمینه، زمینه تئوریک، یعنی حل و فصل مسائل سیاسی مرحله کنونی انقلاب دمکراتیک ایران، جمعبندی تجارب و نتایج دوره های گذشته، بررسی انتقاداتی که به برخی نقطه نظرات و روش های کار گذشته وارد هستند و در زمینه عملی، اختصاص کلیه نیروها و امکانات سازمانی به کار آگاه گرانه سیاسی در میان طبقه کارگر، بکار در میان طبقات زحمتکش و شرکت در پراتیک مبارزاتی روزمره آنها می باشد. شرکت فعال سازمان ما در جنبش قهرمانانه مردم خارج از محدوده تهران، شرکت اعضاء و حتی مسئولین اجرایی سازمان در این مبارزات و درس آموزی از آن و متقابلا کوشش در هدایت این مبارزات و سمت دهی سیاسی آن نمونه ای است از آمادگی برای این استقبال و آغاز کوشش سترگی که برای پرورش و تحکیم روحیه و اندیشه جدید توده ای در سازمان لازم است.

سازمان ما بزودی گزارشات اولیه اعضاء خود را از این مبارزات و همچنین در فرصت نزدیکی، آخرین نظرات خود را درباره تحولات درونی جنبش و جامعه منتشر خواهد کرد. به همین لحاظ ما نیز شرح و بسط بیشتر در زمینه فوق را به همان نشریات موکول می کنیم.

اشاره ای به تحولات درونی جامعه و مهمترین نتایج آن برای جنبش دانشجویی

رشد مناسبات سرمایه داری در جامعه که مخصوصا با به جریان افتادن میلیاردها دلار درآمد ناشی از حراج نفت در چند ساله اخیر، شتاب فوق العاده ای گرفته است: از یکسو به مرزبندی قاطع تر بین طبقات و قشرهای مختلف جامعه، مخصوصا بین بورژوازی و طبقات زحمتکش خلق انجامید و از سوی دیگر، با رشد این مناسبات و پیدایش قشر وسیعی از سرمایه داران متوسط (بورژوازی لیبرال) که سهم مناسبی در قدرت حاکمه و الیگارشی باند شاه دارند، این قدرت را حتی از طرف قشرهای وسیعی از خود طبقه حاکمه یعنی از طرف بورژوازی لیبرال نیز علاوه بر توده های خلق مورد فشار قرار داده است. بدین ترتیب بقاء و حیات رژیم شاه، امروز نه تنها از طرف طبقات دمکرات جامعه، از طرف پرولتاریا، دهقانان فقیر و

میانه حال و خرده بورژوازی انقلابی شهر، مورد تهدید انقلابی قرار گرفته؛ بلکه این رژیم حتی از طرف قشر وسیع بورژوازی لیبرال نیز مورد مخالفت هایی قرار گرفته است. چنین وضعیتی در عین این که خود نشانه دیگری از ناگزیری انقلاب دمکراتیک در ایران و بسرازی سقوط و نابودی افتادن قدرت شاه و الیگارش حاکم را به همراه دارد، اما با این وصف، مسائل و خطراتی نیز در پیش پای انقلاب ایران و نیروهای انقلابی و کمونیستی جامعه قرار می دهد.

در مرکز این مسائل و خطرات، موضوع ایدئولوژیک بورژوازی لیبرال و هژمونی سیاسی و سازمانی آن در انقلاب دمکراتیک ایران قرار دارد. خطر بزرگی که پیگیری و پیروزی واقعی انقلاب ایران را مورد تهدید جدی قرار داده و هر آینه با شدید ترین قوا به مقابله سیاسی و ایدئولوژیک با آن برخاسته نشود به جای حاکمیت خلق و نیروهای واقعا انقلابی و دمکرات جامعه به حاکمیت و دیکتاتوری کامل و تمام عیار بورژوازی منجر خواهد شد.

بدیهی است بورژوازی لیبرال به همه و هر گونه وسیله و توطئه و سازشی متوسل می شود تا از انقلاب جلوگیری کرده، مهار و رهبری آن را در دست گرفته و از سرنگونی کامل رژیم شاه و دار و دسته باند جنایت کار و دلان بی شرم سرمایه امپریالیستی، در ایران جلوگیری به عمل آورد. در این میان بخش هایی از نمایندگان این بورژوازی که در پوشش اعتقاد به مارکسیسم-لنینیسم بدون نهضت کمونیستی ایران رخنه کرده اند، از همه خطرناک تر و مبارزه با آنان از همه دشوارتر است. اساس تئوری ها و نظرات آنها عبارتست از:

۱- جدا کردن مبارزه علیه دیکتاتوری شاه از مبارزه علیه امپریالیسم و باند سیاه سرمایه داران وابسته و مزدور حاکم در ایران، یا به عبارت دیگر مسکوت گذاردن این نکته مهم که رژیم شاه تنها دیکتاتوری شاه نبوده، بلکه شامل باند سرمایه داران دلال و مرتجعین وابسته به امپریالیسم نیز می شود.

۲- مسکوت گذاردن یا رد راه انقلابی سرنگونی رژیم حاکم ایران و این نکته مهم که رژیم حاکم در ایران به تمام معنی و واقعا سرنگون نمی شود مگر بوسیله قهر انقلابی توده ها، قیام و مبارزه مسلحانه آنان.

۳- مسکوت گذاردن ضرورت هژمونی پرولتاریا در این انقلاب و ناگزیر بودن پیوست انقلاب دمکراتیک ایران با انقلاب پرولتری و پرده انداختن به روی این حقیقت که در عصر امپریالیسم و احتضار و گنبدگی سرمایه داری، انقلاب دمکراتیک ایران جزئی از انقلاب جهانی پرولتاریایی بوده و متحدین جهانی خود را نه در میان بورژوازی لیبرال بلکه در میان کشورهای واقعا سوسیالیستی و پرولتاریای آگاه و رزمنده کشورهای پیشرفته صنعتی و خلق های تحت ستم کشورهای تحت سلطه می بیند.

۴- بورژوازی لیبرال ایران که خود تا مغز استخوان، مستقیم و غیر مستقیم، وابسته به سرمایه امپریالیستی بوده و روز به روز بر حدت تضادهای آن با پرولتاریا و توده های زحمتکش جامعه افزوده می گردد، بطور ضمنی یا آشکار، بی شرمانه جزء نیروهای دمکرات جامعه قلمداد شده و از این نظر بر خیانت و سازشکاری این طبقه در امر انقلاب دمکراتیک پرده ساتر افکنده می شود. همچنین با مخدوش کردن مرز میان دمکراتیسم و لیبرالیسم، بورژوازی لیبرال جزء متحدین پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک قلمداد شده و بدین ترتیب راه برای به سازش و تسلیم کشاندن این انقلاب توسط بورژوازی لیبرال صاف شود.

به عنوان مثال شعارهایی از قبیل " جبهه واحد ضد دیکتاتوری"، " تبدیل دیکتاتوری شاه به دمکراسی شاه" و "جمهوری ملی"، شعار های بورژوا لیبرالی ای هستند که تمامی این تحریفات آشکار تسلیم طلبانه را در خود جمع دارند.

بدین ترتیب در اوضاع و احوال کنونی، در شرایطی که بورژوازی لیبرال به پراکندن سموم ایدئولوژیک خود در میان توده ها و اقشار آگاه جامعه پرداخته است، در شرایطی که جنبش کمونیستی میهن مان در فقدان ارتباط لازم با جنبش طبقه و در بدترین حالت پراکندگی بسر می برد، برای هیچ کمونیست یا سازمان کمونیستی ضرورت کار فعال سیاسی- ایدئولوژیک تشکیلاتی در میان طبقه و پاکسازی در تحکیم و وحدت صفوف کمونیست ها و طبعا ضرورت مبارزه علیه نفوذ این جریانات در جنبش انقلابی و کمونیستی و افشاء اوهام بورژوا لیبرالی امری پوشیده و نا مشخص نیست. بدین جهت، مبارزه متحد و همه جانبه علیه ترهات رویزیونیستی، رفرمیستی و خیانتکارانه دار و دسته کمیته مرکزی حزب توده و گروه های رسما و یا عملا وابسته به آن، مبارزه علیه ارتجاع مذهبی، مبارزه علیه تسلیم طلبی، رفرمیسم و تحریکات ارتجاعی آن ها و تبلیغ شعار سرنگونی قهرآمیز رژیم به اتکاء قیام و مبارزه مسلحانه توده ها در صدر هدف های مبارزه ایدئولوژیک کمونیست ها و دیگر انقلابیون پیگیر و در اینجا در خارج از کشور، در صدر هدف های مبارزه سیاسی- ایدئولوژیک دانشجویان پیشرو و بویژه فعالین مارکسیست- لنینیست جنبش دانشجویی قرار می گیرد.

در واقع مبارزه علیه نفوذ ایدئولوژی بورژوازی لیبرال و غلبه بر انواع مشی های وابسته به آن در جنبش دانشجویی خارج از کشور به هیچ وجه امر کم اهمیتی نیست. زیرا در شرایط فعلی، این جنبش تنها بخشی از جنبش دمکراتیک خلق ماست که بطور علنی به فعالیت خود ادامه می دهد و بنابر این تا حاکمیت رژیم دیکتاتوری هر گونه فعل و انفعالی در موازنه قوا به نفع پرولتاریا و نیروهای انقلابی دمکرات پیگیر و یا به نفع بورژوازی لیبرال و اعوان و انصار خرده بورژوازی آن در میان این جنبش هم بطور مستقل و هم از نظر تاثیر بر روی دیگر بخش های جنبش دمکراتیک، از اهمیت قابل توجهی برخوردار است.

به همین دلیل حتی اگر تشکل نیروهای واقعا دموکرات این جنبش در چهار چوب تشکیلاتی ای با دامنه محدود تر، اما واقعا دمکراتیک دانشجویی بتواند شرایط برای مقاومت و مقابله و مبارزه لازم با موج بورژوالیبرالی در این جنبش را بهتر فراهم آورد، به نظر ما هیچ اشکالی ندارد که توده های دمکرات این جنبش در چنین چهارچوبی متشکل شده و بجای گزینش راه ایجاد چنان تشکل وسیعتری که امکان در دست گرفتن رهبری آن توسط بورژوازی لیبرال وجود دارد (و یا نیروهایی که خواسته یا نا خواسته در همان سمت قدم بر خواهند داشت) بر اصول خود پافشاری نمایند. بر خورد عملی با این قضیه نیز البته همواره منوط به موازنه نیروها و احتساب صحیح آن می باشد که بهتر از هرکس توده های آگاه این جنبش و فعالین و رهبران آینده نگر و صدیق آن قادر به درک و تصمیم گیری صحیح درباره آن هستند.

سازمان مجاهدین خلق ایران

دی ماه ۱۳۵۶